



دانشگاه باقرالعلوم (ع)
(غیر دولتی - غیر انتفاعی)

دانشگاه باقرالعلوم علیه السلام

دانشکده : علوم سیاسی، اجتماعی و تاریخ

پایان نامه جهت اخذ درجه کارشناسی ارشد

رشته : علوم سیاسی

عنوان :

نقش عقل در بسط و تحول فقه سیاسی در دوران

جمهوری اسلامی ایران

استاد راهنما :

حجت الاسلام دکتر سیف الله صرامی

استاد مشاور :

حجت الاسلام دکتر غلامرضا بهروز لک

نگارش :

محرم بیابانی

بهمن ۱۳۹۰

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

دانشگاه باقرالعلوم علیه السلام

دانشکده: علوم سیاسی و علوم اجتماعی و تاریخ

پایان نامه جهت اخذ درجه کارشناسی ارشد

رشته: علوم سیاسی

عنوان:

نقش عقل در بسط و تحول فقه سیاسی در دوران جمهوری اسلامی ایران

استاد راهنما:

حجت الاسلام دکتر سیف الله صرامی

استاد مشاور:

حجت الاسلام دکتر غلامرضا بهروزی لک

نگارش:

محرم بیابانی

بهمن ۱۳۹۰

تقدیم:

به مجتهدین نواندیشی هم‌چون امام خمینی (ره) که برای امروز زندگی می‌کنند و عقل را در

فقه سیاسی به گونه‌ای به کار می‌برند که همگان مردم‌سالاری را در عمل احساس کنند.

تشکر و قدردانی:

بر خود لازم می‌دانم از زحمات تمام بزرگوارانی که در طول مراحل مختلف این نوشته مرا یاری نمودند تقدیر و تشکر نمایم.

از استاد راهنما جناب حجت الاسلام دکتر صرامی که با حوصله و دقت فراوان و ارائه نکات مفید مرا یاری کردند، و نیز از استاد مشاور حجت الاسلام دکتر بهروز لک که ایده ابتدایی طرح چنین موضوعی را در ذهن من پروراند و در طول پایان نامه مشوق من بودند و در نهایت تشکر ویژه از همسرم که همیشه در امر تحصیل مشوق من بودند.

چکیده

تجربه نظام جمهوری اسلامی ایران که برای اول بار وظیفه‌ای سنگین را بر دوش فقه سیاسی شیعه نهاد، این دانش را بیش از هر زمان دیگر با حوزه‌های فکری درگیر کرد و آن را وارد قلمروهایی مانند اجرای احکام دینی در قالب نظام جمهوری اسلامی و قانون‌گذاری و... نمود.

فقه سیاسی شیعه در رویارویی با چالش‌های جدید نمی‌توانست بدون واکنش از کنار اقتضائات دوران جدید گذر کند و چون در ساختار درونی آن ساز و کارهای تحول و پویایی وجود داشت، توانست در کشاکش با نظریه‌های رقیب و با استفاده از ظرفیت‌های تحول همانند عقل به پویایی خود ادامه داده و حرکتی رو به تکامل را تجربه کند.

فقه سیاسی شیعه در پرتو عقل در دوران جمهوری اسلامی ایران توانست گنجایش نظریه‌پردازی و نظام‌سازی را ایجاد کرده و برای اجرایی کردن برنامه‌های دینی و ایجاد زندگی مطلوب، نظام مردم‌سالاری دینی را با شاخص‌ها و بنیادهای بومی طراحی و اجرا کند و این امر در این نوشته با تبیین زوایایی از نقش عقل در تحول فقه سیاسی شیعه در دوران جمهوری اسلامی ایران، دنبال خواهد شد. و اشاره می‌شود که عقل در این دوران توانست به عنوان مؤسس و هم به عنوان ابزار در تداوم و کارآمدی مردم‌سالاری دینی نقش داشته و موجب تحول و بسط فقه سیاسی شیعه در دوران جمهوری اسلامی ایران گردد.

کلمات کلیدی: عقل، تحول، فقه سیاسی، نظام مردم‌سالاری دینی.

فهرست مطالب

۱ مقدمه طرح تفصیلی
۲ بیان مسأله
۳ اهداف و فایده تحقیق
۳ سابقه تحقیق
۴ اهداف تحقیق
۴ سؤال اصلی تحقیق
۴ سوالات فرعی
۴ چارچوب نظری تحقیق
۵ فرضیه‌های تحقیق
۵ پیش فرض‌های تحقیق
۵ روش انجام تحقیق
۶ سازمان‌دهی تحقیق
۸ فصل اول:
۸ جایگاه عقل
۸ در فقه سیاسی شیعه
۹ درآمد
۹ گفتار اول: تعریف و اقسام عقل
۹ مبحث اول: عقل در لغت
۱۲ مبحث دوم: عقل در قرآن
۱۳ مبحث سوم: عقل در علم اصول شیعه
۱۶ گفتار دوم: مقایسه عقل با برخی عناوین مشابه

۱۶	مبحث اول: عقل و عرف
۱۸	مبحث دوم: عقل و سیره عقلا
۱۹	مبحث سوم: اقسام عقل؛ عقل نظری و عملی
۲۱	گفتار سوم: فلرو کار آبی عقل (حجیت عقل)
۲۱	مبحث اول: کاربرد استقلالی عقل در استنباط (قاعده ملازمه)
۲۱	مبحث دوم: کلیات قاعده ملازمه
۲۴	مبحث سوم: کاربرد غیر استقلالی (آلی) عقل در استنباط
۲۴	عقل و تصرف در نصوص
۲۸	گفتار چهارم: فقه سیاسی و مفهوم آن
۲۸	مبحث اول: مفهوم فقه سیاسی
۳۱	گفتار پنجم: جایگاه حجیت عقل در فقه سیاسی
۳۱	مبحث اول: حجیت عقل و فقه سیاسی
۳۴	مبحث دوم: بهره‌گیری از عقل معیار ثابت فقه سیاسی
۳۸	گفتار ششم: مفهوم تحول و تحول فقه سیاسی
۳۸	مبحث اول: تعریف تحول
۳۸	مبحث دوم: تحول در فقه سیاسی

۴۱ فصل دوم:

۴۱ تمولات فقه سیاسی در دوران جمهوری اسلامی ایران

۴۲	درآمد
۴۳	گفتار یکم: سیر تطور فقه سیاسی شیعه
۴۳	درآمد
۴۳	مبحث اول: غیبت کبری تا مشروطه
۴۸	مبحث دوم: مشروطه و فقه سیاسی
۵۱	مبحث سوم: انقلاب اسلامی و فقه سیاسی
۵۴	گفتار دوم: زمینه‌های تحول فقه سیاسی در دوران جمهوری اسلامی ایران
۵۴	درآمد
۵۴	مبحث اول: زمینه‌های نظری-اجتماعی در فقه سیاسی
۵۴	الف- پرسش‌گری‌های جدید و چالش‌های سیاسی-اجتماعی:
۵۶	ب- حضور در عرصه قدرت و حکومت:
۶۱	ج- طرح نظام و الگوی سیاسی رقیب در عرصه قدرت:
۶۵	گفتار سوم: ساز و کارهای تحول در فقه سیاسی در دوران جمهوری اسلامی ایران

۶۵	درآمد
۶۶	مبحث اول: نقش عقل در تحول فقه سیاسی
۶۶	الف- چگونگی تعامل با قدرت:
۶۸	ب- قدرت مقید:
۶۹	مبحث دوم: نقش مقتضیات زمان و مکان در تحول فقه سیاسی
۷۲	الف- توجه به نیازهای دولت اسلامی:
۷۳	ب- نیاز به وضع قانون:
۷۷	خلاصه و جمع‌بندی فصل دوم
۷۸	فصل سوم:

نقش عقل در فقه سیاسی در اصل تأسیس نظام مردم‌سالاری دینی در دوران جمهوری اسلامی

۷۸	ایران
۷۹	درآمد
۸۰	گفتار اول: ضرورت تأسیس حکومت اسلامی
۸۰	درآمد
۸۱	ضرورت تأسیس حکومت اسلامی
۸۵	گفتار دوم: ساختار نظام سیاسی مردم‌سالاری دینی
۸۵	درآمد
۸۶	مبحث اول: ولایت مطلقه فقیه
۹۰	مبحث دوم: شورا
۹۲	الف- سیره عقلا و عقل
۹۵	ب- نقش شورا در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران
۹۷	گفتار سوم: بنیادهای نظام مردم‌سالاری دینی
۹۷	درآمد
۹۷	مبحث اول: مبانی حاکمیت ملت
۹۷	الف- حق رأی
۹۹	ب- اعتبار رأی اکثریت
۱۰۰	مبحث دوم: حقوق ملت (اراده مردم)
۱۰۰	الف- حقوق سیاسی، اصل مساوات و برابری
۱۰۲	ب- حقوق اجتماعی و آزادی‌ها
۱۰۷	خلاصه و جمع‌بندی
۱۰۸	فصل چهارم:

نقش عقل در کارآمدی نظام مردمسالاری دینی در دوران جمهوری اسلامی ایران درآمد ۱۰۸

درآمد ۱۰۹

گفتار اول: شاخص‌های نظام مردمسالاری دینی ۱۱۱

درآمد ۱۱۱

مبحث اول: مشارکت سیاسی در قدرت ۱۱۲

الف) اتکاء به آرای عمومی ۱۱۳

ب) بیعت ۱۱۳

ج) شورا ۱۱۵

د) مشارکت سیاسی در قانون اساسی ۱۱۵

مبحث دوم: توزیع قدرت در مردمسالاری دینی ۱۱۸

الف)

قوا ۱۱۸

ب) تفکیک قوا در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران ۱۲۲

مبحث سوم: نظارت بر قدرت در مردمسالاری دینی ۱۲۴

الف) راهکار ساختاری (اصل جمهوری اسلامی) ۱۲۶

ب) نظارت نهادی ۱۲۷

گفتار دوم: مصلحت به عنوان عنصر کارآمد در نظام مردمسالاری دینی ۱۲۹

درآمد ۱۲۹

مبحث اول: مصلحت در فقه سیاسی شیعه ۱۳۱

الف) تعریف مصلحت در لغت و اصطلاح ۱۳۲

ب) کاربرد مصلحت در فقه سیاسی شیعه ۱۳۳

ج) مصلحت و تحول در فقه سیاسی شیعه ۱۳۵

مبحث دوم: نقش مصلحت در تحول فقه سیاسی شیعه در دوران ج.ا.ا ۱۳۶

الف) حفظ نظام اسلامی ۱۳۷

ب) تقدم مصلحت جمعی به مصلحت فردی ۱۳۹

مبحث سوم: مصلحت در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران ۱۴۱

الف) سیر تاریخی مفهوم مصلحت در قانون اساسی ۱۴۱

ب) مجمع تشخیص مصلحت نظام در حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران ۱۴۳

جمع‌بندی فصل چهارم ۱۴۶

جمع‌بندی (خاتمه) پایان‌نامه ۱۴۷

منابع ۱۴۹

منابع فارسی ۱۴۹

١٥٣.....	منابع عربى
١٥٩.....	مقالات
١٦٠.....	مجلات

مقدمه طرح تفصیلی

بیان مسأله

دانش سیاسی اسلامی حاصل تأملات و تلاش‌های اندیشمندان اسلامی در زمینه سیاست و زندگی سیاسی است. از جمله دانش سیاسی اسلامی، فقه سیاسی است که دارای مؤلفه‌ها و مبانی خاص و از هویت ویژه‌ای برخوردار می‌باشد. تبیین آن که فقه سیاسی معاصر چگونه در مواجهه با سؤالات نوشونده و شرایط زمان متحول می‌شود، اهمیت بسیار دارد. چرا که فقه سیاسی دانش اجتماعی است که با زندگی اجتماعی مسلمانان سر و کار فراوان دارد. فقه سیاسی پاسخ‌گوی بخش عظیمی از نیازهای انسان معاصر در مسائل مستحدثه است. عقل به عنوان ابزار کلیدی برای اجتهاد می‌تواند در توسعه و تحول فقه سیاسی نقش بسزایی ایفا کند. عقل و تأملات عقلایی که بر محور دین بنا شده باشد در تولید و بسط دانش فقه سیاسی از جایگاه بالایی برخوردار بوده است. دانشمندان اسلامی هم با محوریت دین سعی کرده‌اند عقل را به شرع پیوند زده و با کمک عقل، فهم آموزه‌های دینی را برای خود آسان کنند.

تأسیس حکومت اسلامی با پیروزی انقلاب اسلامی مبتنی بر فقه سیاسی شیعه، روز به روز ابواب گسترده فقهی را به صورت محسوس و ملموس پیش روی تحقیق نهاده و نشان داد که امروز فقه به صورت بالنده و پویا می‌تواند در تنظیم مقررات و قواعد سیاسی و اجتماعی حقوقی و... حرکت کند و انتظارات نسل‌های حاضر را برآورده سازد. بالاخص استفاده فقه سیاسی از عقل به عنوان یکی از منابع استنباط و گره خوردن آن با عقلانیت، تحول و توسعه فقه سیاسی را در حل مسائل مستحدثه در نظام جمهوری اسلامی مبتنی بر فقه گسترده‌تر می‌کند. در این پژوهش سعی می‌شود نقش عقل در بسط و تحول فقه سیاسی در نظام جمهوری اسلامی و استمرار آن توضیح داده شود.

پی‌جویی تحول و بسط فقه سیاسی مستند به عقل در نظام جمهوری اسلامی و مطالعه موردی و تبیین چگونگی کاربرد آن از اهداف این نوشته می‌باشد.

اهداف و فایده تحقیق

رویکرد عقلانی و اهمیت عقل در نظام‌های سیاسی و طرح آن از طرف نظریه‌پردازان سیاسی ما را بر آن داشت تا در این تحقیق بر آن باشیم که عقل به عنوان یکی از ابزارهای کلیدی و منابع اصیل در متون دینی به چه میزان در تحول فقه سیاسی در جمهوری اسلامی ایران و در نظریات کلان سیاسی حکومت اسلامی نقش داشته تا کوشش برای استمرار روش عقلانی در تولید و زایش دانش سیاسی در سطح کلان و فقه سیاسی در سطح خرد به عمل آید. فقه سیاسی دانشی است که در پیش‌برد اهداف بلند جامعه اسلامی گام بر می‌دارد و یا این که می‌تواند نقش شایسته‌ای را در استفاده صحیح از عقل در توسعه مبانی معرفتی مسائل سیاسی کشور ایفا کند.

سابقه تحقیق

در زمینه نقش عقل و روش عقلانی در تحول فقه سیاسی شیعه پژوهش‌های چندی صورت گرفته است که غالباً به صورت غیر مستقیم و با رویکرد تاریخی، مانند «تحول‌گفتمان سیاسی شیعه» و یا رویکرد اندیشه‌ای «اسلام و مقتضیات زمان» بوده است، کتاب‌ها و مقالات در توصیف نقش عقل در فقه یا فقه سیاسی دوران مشروطه به رشته تحریر در آمده است. اما این که عقل در تحول فقه سیاسی در عصر جمهوری اسلامی ایران چه نقشی داشته، به نظر کار جدیدی باشد. لذا در این رساله سعی می‌شود به تحلیل نقش عقل در تحول و بسط فقه سیاسی در نظام جمهوری اسلامی ایران به طور خاص پرداخته شود و ظرفیت‌های لازم در مبانی نظری و عملی طرح شود.

اهداف تحقیق

این پژوهش درصدد یافتن نقش عقل به عنوان یکی از منابع استنباط و معرفت‌شناختی و استفاده از آن در تولید و تحول فقه سیاسی نظام جمهوری اسلامی ایران می‌باشد و این‌که عقل در چه جاهایی در بسترهای تحول و بسط فقه سیاسی در دوران ما نقش داشته و به چه میزان از ظرفیت‌های گسترده آن استفاده شده است.

سؤال اصلی تحقیق

نقش عقل در بسط و تحول فقه سیاسی در جمهوری اسلامی ایران چیست؟

سوالات فرعی

مهم‌ترین سوالات فرعی:

- ۱- جایگاه عقل در فقه سیاسی شیعه چیست؟
- ۲- فقه سیاسی در دوران جمهوری اسلامی ایران چه تحولاتی به خود دیده است؟
- ۳- عقل در فقه سیاسی در اصل تأسیس نظام مردم‌سالار دینی در جمهوری اسلامی ایران چه نقشی داشته است؟
- ۴- عقل در فقه سیاسی در کارکرد و کارآمدی نظام مردم‌سالار دینی در جمهوری اسلامی ایران چه نقشی داشته است؟

چارچوب نظری تحقیق

در این تحقیق به خاطر مفاهیم و مباحث فقه سیاسی و فرآیند تشخیص فهم و استنباط متون دینی، سعی شده از روش اجتهاد پویا با لحاظ چارچوب مسلم فقه امامیه استفاده شود. روش اجتهاد ابزاری برای استنباط حکم شرعی از متون دینی است و ساز و کارهای تحول فقه سیاسی در روش

اجتهادی تجلی دارد. حوادث زمان بر فقه سیاسی تأثیر می‌گذارد و در آن ظرفیت تأثیرپذیری و انعطاف کافی وجود دارد و این امر درون سامانه اجتهاد اتفاق می‌افتد که در جهت فهم نصوص دینی حرکت می‌کند. روش اجتهاد با درک شرایط زمان و مکان و مقتضیات، محقق را در برخورد با نصوص یاری می‌دهد تا با آنها برداشتی نو و متحول داشته باشد.

فرضیه‌های تحقیق

به کارگیری عقل توانسته در چارچوب فقه امامیه در فقه سیاسی در جمهوری اسلامی ایران باعث تحول در فقه سیاسی امامیه شده و آن تحول عبارت از ایجاد و برقراری یک حکومت مردم‌سالار دینی و استمرار آن که عمده محورهای آن عبارتند از:

- ۱- تبیین ولایت مطلقه فقیه ۲- مشارکت مردمی ۳- تفکیک قوا ۴- تبیین مصلحت و جایگاه آن
- ۵- حقوق اساسی مردم ۶- حمایت و تضمین آزادی‌ها.

پیش فرض‌های تحقیق

تحول در فقه سیاسی شیعه در دوران جمهوری اسلامی و نقش عقل در آن، بر اساس پیش فرض‌های خاصی بنیان نهاده شده است که مهم‌ترین و اساسی‌ترین آن پیش فرض‌ها عبارتند از:

- چارچوب نظری و مبانی جمهوری اسلامی ایران بر اساس فقه سیاسی شیعه است.
- فقه سیاسی در عرصه‌های سیاسی و اجتماعی دارای ظرفیت‌های گسترده می‌باشد.

روش انجام تحقیق

- ۱- نوع روش پژوهش:

روش این تحقیق توصیفی - تحلیلی است.

۲- روش گردآوری اطلاعات:

روش گردآوری اطلاعات این تحقیق به صورت کتابخانه‌ای می‌باشند.

۳- ابزار گردآوری:

ابزار گردآوری این پژوهش، بیشتر از طریق فیش‌برداری است.

۴- روش تجزیه و تحلیل اطلاعات:

روش این تحقیق توصیفی - تحلیلی است. به این صورت که با مراجعه مستقیم به منابع مهم و اساسی به توصیف و گزارشی از تحول فقه سیاسی شیعه در دوران جمهوری خواهد پرداخت و سپس بر اساس همان پیش فرض‌ها به تحلیل و بررسی سؤالات فرعی و رسیدن به فرضیه اصلی تحقیق پرداخته خواهد شد.

سازمان‌دهی تحقیق

این تحقیق، در بر گیرنده یک مقدمه، چهار فصل و یک نتیجه‌گیری خواهد بود که عبارتند از: در مقدمه این پژوهش، طرح تفصیلی تحقیق که شامل تبیین موضوع، هدف، ضرورت، پیشینه و چارچوب و مبانی نظری و فرضیه تحقیق و... خواهد بود. در فصل اول پژوهش حاضر، جایگاه عقل در فقه سیاسی شیعه، قلمرو کارآیی عقل در آن، و مفاهیم فقه سیاسی و عقل تعریف خواهد شد. در فصل دوم، تحولات فقه سیاسی شیعه در دوران جمهوری اسلامی ایران و زمینه‌های تحول آن پرداخته خواهد شد.

فصل سوم تحقیق، شامل نقش عقل در فقه سیاسی در اصل تأسیس نظام مردم‌سالاری دینی و ابعاد برجسته آن در بنیادهای نظام مردم‌سالاری دینی، همانند: حقوق ملت و حاکمیت اراده مردم پرداخته خواهد شد.

در فصل چهارم، نقش عقل در کارآمدی نظام مردم‌سالاری دینی در دوران جمهوری اسلامی ایران با بیان شاخص‌ها مانند: مشارکت مردم در قدرت و... بررسی خواهد شد.
در خاتمه پژوهش نیز نتیجه‌گیری خواهد آمد.

فصل اول:

جایگاه عقل

در فقه سیاسی شیعه

درآمد

در عصر جمهوری اسلامی ایران پاره‌ای از پرسش‌های نوپیدای فقهی در عرصه اجتماع و سیاست که در منابع اصیل فقهی سابقه ندارند، روبه روهستیم. این پرسش‌ها باعث شده با نگاه به چالش‌های پدید آمده، میراث دینی خود را درباره ارزش و جایگاه عقل در فقه سیاسی بازخوانی کنیم در این بازخوانی لازم است به جایگاه عقل در فهم احکام الهی و نقش آن در فقه سیاسی شیعه به کندو و کاو پردازیم.

عقل در فقه سیاسی نقش والایی دارد و ضرورت پرداختن به آن را دو چندان می‌نماید. در این فصل با طرح مفاهیم کلی و پایه‌ای برای فصول بعدی به پنج گفتار می‌پردازیم. گفتار یکم، تعریف و اقسام عقل به ویژه در لغت و قرآن آشکار می‌شود. در گفتار دوم به مقایسه عقل با برخی عناوین مشابه، مانند عرف می‌پردازیم. در گفتار سوم، بحث از حجیت عقل در فقه سیاسی و بیان قاعده ملازمه و استفاده از آن در استنباط احکام پرداخته می‌شود. در گفتار چهارم، مفهوم فقه سیاسی به اجمال بررسی می‌شود و در گفتار پنجم، تحول و مفهوم تحول فقه سیاسی، با نگاه گذرا آشکار می‌شود.

گفتار اول: تعریف و اقسام عقل

مبحث اول: عقل در لغت

لغت‌شناسان برای واژه عقل معانی گوناگون ذکر کرده‌اند؛ عقل لفظی عربی به معنای بستن و نگه داشتن است، وقتی گفته می‌شود: «عقل البعیر»^۱، یعنی: شترش را بست، و «اعتقل لسانه»^۱ یعنی:

^۱. المعجم البسيط، ص ۶۱۶.